

قرآن، طبیعت و حقوق آن از منظر دو تفسیر فقهی شیعه و سنی

مصطفی رجبی باقرآباد^۱

چکیده

عناصر طبیعت، موجودات (گیاهان و حیوانات) و مناسبات زیستی^۱ متعادل بین آنها تشکیل‌دهنده طبیعت است. خداوند متعال این سرمایه غنی را به بشر ارزانی داشته تا انسان‌ها و موجودات ضمن بهره‌مندی از آن، به عمران و آبادانی زمین همت گمارند و بستر زیست‌گاهی مناسب برای همه موجودات باقی بماند. از این رو حق استفاده از آن را باید از مصادیق مهم حقوق بشر دانست. قرآن کریم در آموزه‌های توصیفی و حتی دستوری خود بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز، تعدی و فساد در آن تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. در این مقاله ضمن شناسایی عناصر کلیدی تشکیل‌دهنده طبیعت و محیط زندگی انسان در قرآن، آیات مربوط به هر دو گستره را با روش تفسیری مفسرین فقهی امامیه و اهل سنت با رهیافت‌هایی از کتاب «فقه القرآن راوندی» و «الجامع قرطبی» ارائه و با تأکید بر روابط عمیق بین انسان و مناسبات انسان‌ها با طبیعت، فرضیه مسئولیت اخلاقی، مدنی و کیفری متجاوز به حقوق طبیعت را در حقوق اسلام اثبات می‌نماییم.

واژگان کلیدی:

تفسیر فقهی، احکام قرآن، قرآن و طبیعت، اخلاق و طبیعت، حقوق طبیعت.

۱. دانشجوی دکترای فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: m.rajabi1353@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۳/۱۵

نوع مقاله: مروری، تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۲۰

مقدمه

عالم طبیعت که حیات زیستی گیاهان و جانوران در آن شکل گرفته و استمرار می‌یابد از چنان اهمیتی برخوردار است که به عنوان مهمترین موضوع زیستی انسان و دیگر موجودات زنده مورد توجه قرار گرفته است. از طرف دیگر فرهنگ و تمدن کنونی که به صورت صنعتی زندگی بشر را به مخاطره انداخته و تمدن مدنی او که مربوط به مناسبات اجتماعی انسان‌ها و تأثیر متقابل طبیعت با محیط زندگی انسانی می‌شود، هر دین‌پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی، جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرا می‌خواند. قرآن کریم مهمترین منبع شناخت موضع دین اسلام در زمینه طبیعت و محیط زندگی انسانی است. حال انسان برای رفع نیازهای خود و بهره‌بری از طبیعت باید چه برخورد و رفتاری با طبیعت داشته باشد؟ قرآن‌پژوهی که مسأله طبیعت و محیط زندگی انسانی را با آموزه‌های قرآن کریم عرضه می‌دارد، به دنبال دستیابی به دیدگاه آن کتاب الهی در زمینه توصیف طبیعت و باید و نبایدها در مناسبات انسان‌ها با آن است. برای دریافت صحیح مسأله مورد پژوهش بایستی در مبحث نخست مبانی نظری طبیعت را در نظر عامه و امامیه که در فهم مسأله مؤثر است به اختصار بیان نمود. ولی از آنجا که موضوع این مقاله فقهی است در بهره‌بری از تفاسیر، سعی بر بازخوانی تفاسیر فقهی نموده‌ایم. لذا قبل از آن باید به اختصار، قرطبی و راوندی و تفسیر آنها را معرفی کنیم.

الف. تعاریف

۱. تفاسیر فقهی^۲

تفاسیر فقهی تفاسیری هستند که تنها به تفسیر آیات مرتبط با احکام شرعی (تکلیفی یا وضعی) متعلق به عمل مکلفان می‌پردازند و به همین جهت جزو تفاسیر موضوعی به شمار می‌آیند که تنها به بخشی از آیات قرآن می‌پردازند (معرفت، ۱۴۱۹ ق، ۲۲۸: ۲). از آنجا که در این مقاله به دنبال آموزه‌های فقهی-اخلاقی هستیم، برای استفاده از قرآن کریم به سراغ تفاسیر فقهی رفتیم و در این بین دو تفسیر مهم از نظر پژوهش و قدمت در بین امامیه و اهل سنت یعنی «تفسیرالجامع لأحكام القرآن» و «فقه القرآن» را انتخاب نمودیم.

۲. معرفی اجمالی قرطبی و تفسیر وی

تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» نوشته محمدبن احمد انصاری قرطبی (۵۷۸-۶۷۱ ه.ق.) که ویژگی مهم این تفسیر در بین تفاسیر اهل سنت، فقهی بودن آن است- به طور گسترده‌ای وارد مباحث فقهی شده و به هنگام بحث از احکام فقهی به دیدگاه‌های فقیهان مذاهب مختلف اسلامی و بیشتر از همه مذهب مالکی می‌پردازد. قرطبی گاهی به اندک مناسبتی، به بحث‌های فقهی روی می‌آورد ولی در ذیل آیات، تا آنجا که ممکن است، بحث‌های فقهی را مطرح می‌کند. اگر آیه‌ای به هیچ روی با مسائل فقهی ارتباط نداشته باشد جنبه‌های دیگر آن را تشریح و تفسیر می‌کند. در واقع تفسیر قرطبی دائرةالمعارف کامل فقهی و از جمله منابع مهم شناخت آیات قرآن و دستیابی به موضوعات آن، بویژه آیات الاحکام است که آکنده از تحقیقات فقهی و تاریخی و نقد و تحلیل‌های ادبی می‌باشد (مهدوی‌راد، ۱۳۹۱ ش، ج ۲، ص ۲۳).

۳. معرفی اجمالی راوندی و تفسیر وی

قطب‌الدین ابوالحسین سعید بن عبدالله بن حسین بن هبه‌الله راوندی کاشانی (متوفای ۵۷۳ ه.ق) معروف به قطب راوندی محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و مورخ بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. وی از شاگردان شیخ طبرسی - صاحب تفسیر «مجمع‌البیان» و صاحب تألیفات بسیاری بوده که معروف‌ترین آن کتاب «الخراج و الجرائح» است. مدفن وی در حرم حضرت معصومه (سلام‌الله علیها) در قم می‌باشد.

«فقه‌القرآن» کتاب دیگر قطب‌الدین راوندی است. وی در این کتاب تمام آیاتی را که به احکام فقهی مربوط بوده است به ترتیب ابواب فقه دسته‌بندی کرده و در دو جلد به یادگار نهاده است. راوندی در این کتاب پس از ذکر آیات مربوط به هر موضوع، به بررسی فقهی آن می‌پردازد و نتایج فقهی خویش را از آن بیان می‌دارد. ظاهراً قطب راوندی اولین فقیه امامیه است که به شرح و تفسیر آیات الاحکام پرداخته است. وی با نگارش فقه‌القرآن قصد جبران یک کاستی را داشته و آن نبود کتابی در بردارنده آیات حکمی و آموزه‌های فقهی قرآن بوده است. از این رو فقه‌القرآن راوندی نخستین نگاشته فقه پژوهی قرآنی در مکتب شیعه می‌باشد، چرا که اگر هم کسی اثری در این باره بر جای گذاشته، چندان فراگیر نبوده است. راوندی از علوم گوناگون مانند علوم ادبی، علوم قرآنی، کلام و حدیث برای فهم معنای آیات حکمی سود می‌برد و تلاش او در تفسیر نهایتاً در خدمت استنباط حکمی از آیه مورد نظر قرار می‌گیرد (علیزاده، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، ص ۴۲۴). این تفسیر نیز بدلیل جامعیت و پیوستگی منطقی مباحث در بین تفاسیر فقهی شیعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. تفسیر راوندی یا فقه‌القرآن به تصریح نگارنده‌اش نخستین نگاشته فقهی در گستره آیات حکمی است (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳) که در آن راوندی

تمامی آیات قرآن را بر اساس ابواب فقهی مورد تفسیر قرار داده است (علیزاده، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، ص ۴۲۳).

ب. مبانی نظری طبیعت^۳

۱. مفهوم طبیعت و محیط زندگی انسانی و ارتباط آن با اخلاق

آنچه که انسان در پدید آوردن آن دخالت نداشته باشد را طبیعت گویند. انسان پیش از زندگی در شهرها، در طبیعت می‌زیسته است. دگرگونی از ویژگی‌های طبیعت است.

طبیعت مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثری است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می‌نماید و محیط زندگی انسانی رابطه تعاملی است که بین انسان و تأسیسات و محیطی که در آن به وجود می‌آید شکل می‌گیرد.

«انسان در جهان اشیای طبیعی و مادی^۴ است؛ دنیایی که باید فتح گردد تا امکانات حیات را برای انسان تأمین نماید. لذا انسان با ایجاد شرایط لازم برای بقا و ارضای احتیاج‌های مشخص خود در درون یک مجموعه و نظام اجتماعی و تاریخی معین، شالوده زندگی خویش را بنا می‌کند» (الماسی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۶۹).

۲. قرآن و طبیعت^۵

قرآن کریم در متجاوز از ۷۵۰ آیه به پدیده‌های طبیعی اشاره نموده و از آنها به عنوان آیات الهی یاد کرده است. از این رو طبیعت‌شناسی می‌تواند معرفت انسانها را نسبت به خداوند فزونی بخشد و آنها را قادر سازد تا از امکاناتی که خداوند برای خیر و سعادت ابدی‌شان فراهم کرده است استفاده کنند (نصر، ۱۳۸۵).

ش.، صص ۱۱۱-۱۱۲). قرآن غالب تمثیل و توضیح‌های خود را با توسل به آثار طبیعت بیان کرده و از انسان‌ها خواسته است تا در نشانه‌های الهی تدبر کنند (رستمی، ۱۳۸۰ ش.، ص ۱). حتی بسیاری از سوره‌های قرآن کریم با اسامی عناصر طبیعت نام‌گذاری شده‌اند؛ مانند بقره، رعد، نحل، نور، نمل، عنکبوت، دخان، نجم، جن، فجر، شمس، حدید، لیل، ضحی، قمر، تین، علق، ناس، فلق و بروج. این نام‌گذاری بر اهمیت آن عناصر در فرهنگ قرآنی و ضرورت انس با آنها دلالت دارد (نقیبی، ۱۳۸۹ ش.، ص ۱). از نظر قرآن طبیعت معرف عظمت و قدرت و نیز مظهر علم خداوند به شمار می‌آید. قرآن به زیبایی به تمجید طبیعت پرداخته و با تبیین درست و دقیق ارتباط صحیح بین طبیعت و خداوند و نیز ارتباط معقول طبیعت با انسان، شناخت صحیح و منطقی از نظام هستی و طبیعت را به بشر ارزانی داشته است. قرآن کریم سند نهایی وحی مشتمل بر گزاره‌هایی توصیفی از طبیعت و دستوری نسبت به رابطه انسان با طبیعت است که از مجموع آنها می‌توان به قواعد اخلاقی و حقوقی مورد نظر قرآن در زمینه طبیعت و محیط زندگی انسانی دست یافت. بنابراین آنچه در این نوشتار ارائه می‌گردد نگاه توصیفی قرآن به طبیعت و الگوی تعامل مطلوب با آن است (نقیبی، ۱۳۸۹ ش.، ص ۱).

۳. اخلاق و طبیعت^۶

طبیعت به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را نیز شامل می‌شود. انسان با استفاده از قدرت مسخرسازی طبیعت و قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زندگی را برای خویش سامان بخشد و ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل‌دهنده اخلاق و آداب

رفتاری با طبیعت بوده و شایسته است از آن به «بُعد اخلاقی طبیعت» یاد شود.

۴. حقوق طبیعت^۶

منظور ما از حقوق طبیعت، بایسته‌هایی است که فعالیت‌های انسان‌ها را بر روی عناصر و طبیعت تعریف و سازمان‌دهی کند و کیفیت زندگی بهتر را تضمین نماید.

ج. آموزه‌های قرآنی در ارتباط با طبیعت

قرآن کریم، مهمترین و کاملترین کتاب الهی، متضمن واژگان کلیدی است که در شناسایی طبیعت و عناصر شکل‌دهنده آن و ارشادات اخلاقی و الزامات حقوقی مربوط به آن مؤثر است. واژه‌های خلقت، رحمت، آیه، خلافت و مالکیت از جمله کلماتی هستند که موضع قرآن کریم در این زمینه را نشان می‌دهند.

۱. خلقت^۸

مبدأ پیدایش آفرینش، خداوند متعال است. قرآن کریم حمد و ستایش را مخصوص خداوندی دانسته است که خالق آسمان‌ها و زمین است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (انعام، ۱) همچنین می‌فرماید: زیبایی‌هایش را برای مؤمنین خلق نمود. «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» هرچند کافران نیز به تبع مؤمنین از زینت‌های دنیا استفاده می‌کنند، ولی این زیبایی‌ها اصالتاً برای مؤمنین خلق شده‌اند. لذا اگرچه در این دنیا هم کافران و هم مؤمنین می‌توانند از نعمت‌های الهی استفاده کنند، اما در روز قیامت تنها مؤمنین از زینت‌های خلقت بهره‌مند خواهند شد (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۶۷). بنابراین پدیده‌ها و آفریده‌ها از حسن و زیبایی آفرینشی برخوردارند. زیبایی و حسن آفرینشی موجودات ناشی از آن است که

آنها در بستر عدالت آفریده شده‌اند؛ چنانکه رسول اکرم (ص) فرمود: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۱۰۳) اصولاً عدل ترازوی خداوند در امر آفرینش است «وَوَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن، ۷) و خلقت بر اساس حق که ملازم عدل است شکل گرفته است. «مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...» (احقاف، ۳) لذا خداوند بر اساس حق و عدالت هر موجودی را که شایستگی داشت، از لطف خود بهره‌مند ساخت و آن را در مسیر تکامل خود هدایت فرمود «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰) و اوست که وقتی انسانی می‌آفریند، او را برای ازدواج و خوراک و پوشاک و مسکن رهنمون می‌شود (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۱، ص ۲۰۴). بر این اساس آفرینش هستی و طبیعت، قابل ستایش است.

طبیعت از مصادیق آفریده‌هایی است که اساس آفرینش آنها بر تعادل، حسن و زیبایی است. لذا دستگاه خلقت ما را به شناسایی تعادل زیستی طبیعت و حفظ زیبایی‌های آن به عنوان یک حق اساسی و بنیادین رهنمون می‌شود. ما از آفرینش موجودات زنده درمی‌یابیم که آنها از استعداد زیستن و بقا برخوردارند و این استعداد طبیعی مهمترین سند برای شناسایی حق تعادل اکولوژیک برای آنهاست. لذا حق طبیعت که از منظر قرآن کریم ناشی از اعطای خلقت و هدایت موجودات است که به صورت تعادل اکولوژیک جلوه یافته، یک حق فراگیر برای هر موجود زنده، از جمله بشر به شمار می‌آید. از این رو روشن است بر هم زدن این تعادل زیر پا نهادن حق طبیعت و حتی حق انسان‌ها می‌باشد.

۲. رحمت ۹

بر اساس آیات قرآن کریم همه موجودات آفرینش از رحمت الهی بهره‌مندند

«... وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ...» (اعراف، ۱۵۶) و در شمول و عمومیت آن هیچ نهایتی وجود ندارد و هر کس و هر چیزی داخل در این رحمت می‌شود (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۷، ص ۲۹۶)، «... رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا...» (غافر، ۷) یعنی رحمت خود را بر همه چیز وسعت دادی (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۵، ص ۲۹۵). در متون دینی بر فراگیری رحمت خداوند بر همه اشیاء تأکید شده است. «اللهم إني أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۱ و از مهمترین ویژگی این رحمت تقدم آن بر غضب الهی است. «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» لذا رحمت سابقه الهی یک جریان فراگیر و ثابت است و بنابراین می‌توان گفت در نظام آفرینش و طبیعت، رحمت است که اصالت دارد (مطهری، ۱۳۵۳ ش، ص ۲۴۶).

مصطفی
را
بپایان
داد

یکی از جلوه‌های رحمت الهی نمود تطهیر طبیعت است. دستگاه آفرینش دارای ویژگی تطهیر است. در طبیعت شواهدی بر نهادینه بودن این خصیصه مشهود است؛ مثلاً اینکه دریاها و گیاهان گاز انیدرید کربنیک هوا را می‌گیرند و جو را تصفیه می‌کنند. اگر هوا به وسیله پالایشگاه نهادینه شده در دل طبیعت پالایش نمی‌شد جو زمین در مدت کوتاهی صلاحیت زیستگاهی خود را از دست می‌داد، زیرا تنفس در آن غیر ممکن می‌گشت. تجزیه لاشه‌های حیواناتی که می‌میرند و تجزیه زوایدی که از موجودات زنده دفع می‌گردد یک نمونه دیگر از پالایش و تطهیر طبیعت است.

غلبه رحمت خداوند در نظام طبیعت پشتوانه اصالت سلامت و پاکیزگی در آن است. لذا کتاب آفرینش طبیعت، مرجعی ذیصلاح برای شناسایی حقوق واقعی موجوداتی است که اکنون در طبیعت زندگی می‌کنند یا در آینده خواهند زیست. حق برخورداری از سلامت و پاکیزگی، از حقوق اولیه طبیعت و محیط زیست انسانی به شمار می‌آید. لذا هرگونه فعالیت صنعتی و اقتصادی تنها در صورت عدم

مغایرت با اصل سلامت و پاکیزگی طبیعت قابل پذیرش است. در متون دینی خداوند پاکیزه و دوستدار پاکیزگی معرفی شده است (نهج الفصاحه، شماره ۷۰۳)، بهشت را تنها برای پاکیزه‌ها مهیا نموده (نهج الفصاحه، شماره ۶۱۲)، بر تحصیل حداکثر پاکیزگی تأکید ورزیده و اساس اسلام را پاکیزگی دانسته است (نهج الفصاحه، شماره ۱۱۸۲).

۳. آیه ۱۱

قرآن کریم آسمان‌ها و زمین را آیه عظمت خداوند می‌داند. «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (عنکبوت، ۴۴) «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم، ۲۲).

خداوند روییدن گیاهان را در زمین آیه‌ای از خود دانسته است. «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ» (شعراء، ۸-۷) همچنین زندگی زنبور عسل و بهره‌گیری از شهد گل‌ها برای تولید عسل مشتمل بر آیه و نشانه برای اهل تفکر تلقی شده است «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَنَجِّدُونَ مِنْهُ سَكْرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل، ۶۷) شگفت این‌که قرطبی در ذیل کلمه «سکراً»، ۵ صفحه به تفصیل بحث می‌کند ولی به جمله آخر که هدف نهایی تعقل می‌باشد، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، صص ۱۳۳-۱۲۸).

لذا در جهان‌شناسی قرآن کریم، طبیعت از مصادیق آیات الهی است. طبیعت تجلی‌گاه خداوند متعال است که انسان در جای جای آن حضور الهی را دریافت می‌کند. «... فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ...» (بقره، ۱۱۵) هرچند این آیه در خصوص قبله است و راوندی این آیه را برای قبله نمازگزار در حال سفر جاری می‌داند (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۹۱). قرطبی نیز این آیه را در مورد کسی می‌داند که به علت

وجود ابر نتوانسته قبله را تشخیص دهد ولی بعداً معلوم می‌شود نمازش را به طرف قبله نخوانده است. در این صورت مستحب است نماز خود را اعاده کند، البته اگر وقت نماز باقی باشد (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۸۰). ولی صدر این آیه به روشنی دلالت بر مراد ما دارد. «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» و هر جا که خورشید طلوع کند یا فرود آید از آن خداست (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۴۴). قرطبی در شرح این آیه می‌گوید: این آیه مالکیت خدا را در مشرق و مغرب می‌رساند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۷۹).

قرآن کریم از آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر، باران، جریان باد، حرکت کشتی‌ها در دریاها، گیاهان، حیوانات و بالاخره هر امر محسوسی که بشر در اطراف خود می‌بیند به عنوان موضوعاتی که درباره آن باید اندیشید و تفکر کرد یاد می‌نماید (مطهری، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۷۰) و انسان را به دقت و مطالعه در آسمان‌ها و زمین فرا می‌خواند: «قُلْ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...» (یونس، ۱۰۱). قرآن کریم سراسر خلقت را آیات الهی و علائم و نشانه‌هایی برای کشف حقیقت می‌داند و از جهان خارج انسان به «آفاق» تعبیر می‌کند «سُنُرِهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (فصلت، ۵۳) که باید در آن اندیشید و تفکر نمود «... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...» (آل عمران، ۱۹۱) تا حقایق، سنت‌ها و آیات الهی را در آن کشف کرد. از مهمترین حقایقی که با تفکر و اندیشه در طبیعت به دست می‌آید این است که طبیعت برای پیدایش و بقای موجودات زنده آفریده شده است. لذا حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت، یک حق اصیل و اولی برای موجودات زنده است. طبیعت آیتی است که از سنت‌های الهی مانند حیات موجودات زنده و ضرورت بهره‌وری از آن در حفظ بقای آنها حکایت دارد؛ سنت‌هایی که می‌توان از آنها، حق حیات و حق تمتع از طبیعت را

برای تمامی موجودات زنده از جمله انسان انتزاع نمود. لذا طبیعت آیه و نشانه محسوسی از قدرت و حکمت خداوندی است که در نظام تکوینی عادلانه خویش موجودات کوچک و بزرگ را از حیات برخوردار نموده است. این نظام تکوینی الهی امری مقدس تلقی می‌گردد که انسان‌ها باید تمامی فعالیت‌های خود را در روی زمین هماهنگ با آن به انجام برسانند. آلوده نمودن عناصر طبیعت چون آب، خاک، هوا و تخریب طبیعت، تجاوز و تعدی به نظام تکوینی مقدس و آیه الهی است.

۴. خلافت^{۱۲}

در قرآن کریم خداوند انسان را خلیفه خویش در زمین معرفی نموده است «... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره، ۳۰) و سر آن را علم اسمائی دانسته که به آدمیان آموخته «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...» (بقره، ۳۱) و یا به آنها الهام کرده است. (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۷۹) در تفسیر قمی در زمینه مراد از اسماء در آیه شریفه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...» آمده است که امام (ع) فرمود: «مراد از اسماء، اسامی کوه‌ها، دریاها، دواها، گیاهان و حیوانات است» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۵). مرحوم علامه طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن» روایتی را به نقل از داوود بن سرحان عطار نقل می‌کند که اظهار داشت: محضر امام صادق (ع) بودم. دستور داد سفره آوردند و ما غذا خوردیم. سپس فرمود طشت و دست سنان (لگن - حوله) را آوردند. عرضه داشتم: فدایت شوم منظور از اسماء در آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ...» چیست؟ آیا همین طشت و دست سنان نیز از آن اسماء است؟ حضرت فرمود: «دره‌ها و تنگه‌ها و بیابان‌ها از آن است و با دست خود اشاره به پستی‌ها و بلندی‌ها کرد» (طباطبایی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۲۰). به گفته قرطبی اسماء هر چیزی است که ملائکه از فراگیری آن عاجز بودند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۷۹).

بنابراین خداوند با نهاده‌سازی ظرفیت علمی برای انسان در سلطه بر طبیعت و زمین، او را خلیفه خویش در زمین قرار داده است تا به آبادانی و عمران آن همت گمارد «... وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود، ۶۱) (و از شما آباد کردن و سکونت گزیدن در آن را خواسته است) (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۹، ص ۵۶) و او را به بهره‌گیری از مواهب و فضل خود در زمین فرا خوانده است «... وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...» (جمعه، ۱۰) تا به اطراف و اکناف آن قدم بردارد و از روزی آن بهره جوید. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک، ۱۵) انسان جانشین و خلیفه خداوند در استعمار، عمران و آبادانی زمین است تا امور را از جانب خداوند تدبیر نماید (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۵) و یا به قول قرطبی اوامر خداوند را به مردم برساند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۷۸). به هر حال جانشینی و خلافت ایجاب می‌نماید که او خود یا به دستور پیامبران و خلفاء خداوند، امانت زمین را به نیکویی حفظ نموده و آنرا از هرگونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به بهره‌وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همگانی و همیشگی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد. ذکر خداوند متعال و یادآوری خلافت و جانشینی او در زمین و درک محیط بودن ذات مقدس بر همه چیز، «... وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا» (نساء، ۱۲۶) رمز بهره‌وری از طبیعت با حفظ تعادل زیستی آن است. تنها انسان‌های عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت، از آلوده‌سازی طبیعت و بهره‌وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند و تمامی همت خویش را در حفظ تعادل طبیعت به کار می‌گیرند. همانگونه که خداوند حفیظ طبیعت و همه موجودات آن است، «... إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِیْظٌ» (هود، ۵۷) خلیفه او نیز باید منابع و مواهب طبیعی اعم از گیاهان، حیوانات و ... را

از نابودی، تخریب و تلف شدن حفظ نماید. به تعبیر دیگر زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای الهی است که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آنها پدید آمده‌اند. از این روی انسان مسئول حفظ طبیعت است (نصر، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰۴).

پیامبر اکرم (ص) بر حرمت نهادن بر زمین تأکید و آن را به منزله مادری که انسان از آن ارتزاق می‌نماید معرفی نموده‌اند که از اعمال نیک و بد انسان نیز خبر می‌دهد. «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٍ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مَخْبِرَةٌ بِهِ» (نهج الفصاحه، ۲۲۶) از جمله اموری که زمین از آن خبر خواهد داد کیفیت بهره‌وری و حفاظت انسان از عناصر و منابع آن است. قانونگذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبی اکرم (ص) در اصل پنجاهم در زمینه حفظ طبیعت مقرر نموده است: «در جمهوری اسلامی حفظ طبیعت که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی طبیعت یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است».

۵. تسخیر^{۱۳}

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم طبیعت در تسخیر انسان است. راغب اصفهانی در «مفردات»، تسخیر را به معنای حرکت دادن و راندن قهری به سوی هدف معین دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۳۲) و قرطبی در «الجامع» آن را به معنی تسلط پیدا کردن و استفاده کردن از چیزی با اقتدار معنی کرده است. (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۸، ص ۲۵۹) (در اختیار شما قرار داد تا از آنچه دوست دارید بخورید و

از نعمت‌هایی که می‌خواهید بهره ببرید، منع نشده باشید) (راوندی، ۱۴۰۵، ق. ج ۱، ص ۲۹۶). در قرآن کریم آیات فراوانی از تسخیر موجودات طبیعی برای انسان حکایت دارد؛ یعنی موجودات طبیعی برای هدف بهره‌وری انسان رام شده‌اند. چنانکه می‌فرماید: «خداوند نهرها را مسخر شما ساخت» (ابراهیم، ۳۲) و «کشتی را مسخر شما ساخت» (ابراهیم، ۳۳) و «شب و روز را برای شما تسخیر کرد (نحل، ۱۲). «خورشید و ماه را مسخر شما ساخت» (ابراهیم، ۳۳) و «دریا را به تسخیر شما درآورد تا از گوشت تازه آن استفاده کنید» (نحل، ۱۴). قرآن کریم در آیاتی بر تسخیر همه موجودات در زمین تأکید دارد: «آیا نمی‌بینی خداوند همه آنچه را روی زمین است مسخر شما گردانید» (حج، ۶۵) و در نهایت خداوند از تسخیر هر آنچه که در زمین و آسمان است برای انسان خبر می‌دهد: «خداوند آنچه در زمین و آسمان است مسخر شما ساخت» (جاثیه، ۱۳) «وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ».

برخی از مفسران بر این باورند همه موجودات، مسخر فرمان خدا در طریق سودرسانی به انسان‌ها هستند، خواه مسخر فرمان انسان باشند یا نه و به این ترتیب «لام» در «لکم» به اصطلاح «لام» منفعت است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ش. ج ۱۷، ص ۶۴). برخی دیگر در ذیل آیه شریفه «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» بر این باورند که «لام» در «لکم» برای تعلیل غایی است؛ یعنی هدف از تسخیر، بهره‌وری انسان از آسمان‌ها و زمین است (علامه طباطبائی، ۱۴۰۵، ق. ج ۱۶، ص ۲۲۹).

راوندی نیز در تفسیر «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» در «فقه القرآن» نوشته است: تمام چیزهایی که در زمین خلق شده است هم برای شما و هم برای بهره‌مندی و منفعت آفریده شده است (راوندی، ۱۴۰۵، ق. ج ۲، ص ۲۶۱) و در «الجامع

لأحكام القرآن» نوشته است تمام نعمت‌های روی زمین برای شماست و هر چیزی که شما به آن نیازمند باشید، نیز برای شماست (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۱). بنابراین اعم از اینکه «لام» را، «لام» منفعت یا غایت بدانیم تسخیر طبیعت برای نوع انسان در طول حیات پیش‌بینی شده است. لذا از واقعیت مهم حقوقی حکایت دارد و آن اینکه استفاده و بهره‌وری از آسمان‌ها و زمین و موجودات آن حق همه انسان‌هاست و هرگونه تصرف و بهره‌مندی از طبیعت نباید با حق بهره‌وری دیگری منافات داشته باشد. طبیعت در تسخیر آدمی است تا با تکیه به حق تسخیر، از موجودات بهره ببرد. ولی بهره‌گیری که موجب از بین رفتن گونه‌های مختلف موجودات زنده گردد و بشر آینده را از استفاده از آنها محروم کند، کفران نعمت الهی است و از مصادیق قطعی سوءاستفاده از حق، به شمار می‌آید.

یکی از جلوه‌های تسخیر موجودات، آسمان‌ها و زمین برای انسان، تسخیر علمی آنهاست؛ یعنی آدمی از چنان ظرفیت و استعداد علمی برخوردار است که می‌تواند به سنت‌ها و قوانین حاکم بر موجودات طبیعی و نباتی و حیوانات علم پیدا کند و ضمن شناخت ویژگی‌های جمادی، نباتی و حیوانی آنها برای حفظ موجودیت هر یک تدبیر و نسبت به توسعه حیات موجودات زنده با روش‌های علمی اقدام نماید. اما متأسفانه بشر با سوءاستفاده از ظرفیت علمی خود با ساخت و به کارگیری بمب‌های اتمی و شیمیایی، به حیات زیستی و ساختمان آفرینشی موجودات زنده به شدت آسیب می‌رساند. این نحوه رفتار با موجودات زنده، با هدف تسخیر موجودات برای انسان منافات دارد، زیرا این ظرفیت علمی برای شکوفایی طبیعت و توسعه حداکثری آن پیش‌بینی شده است. امام علی (ع) بکارگیری استعداد تسخیرکنندگی را براساس پارسایی دانسته است که آدمی باید حقوق محل زیست و موجودات زنده آن را رعایت کند. قال علی (ع): «اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم

مستولون حتی عن البقاع و البهائم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ۳۸۵). قرآن کریم ضمن شناسایی حق تسخیر دریا، نهرها، خورشید، ماه، شب و روز برای انسان و یادآوری تکثر و تنوع نعمت‌های خویش که غیر قابل شمارش هستند، انسان را موجودی ظلوم و کفار یعنی ستمگر و ناسپاس معرفی نموده است: «وَأَتَاكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم، ۳۴) بدون تردید تصرفی که ستمگرانه و ناسپاسانه باشد از مصادیق برجسته منکر تلقی می‌گردد، زیرا قرآن کریم برای واژه منکر چنان شمول و گستره‌ای قائل است که بر تجاوز و تعدی به نعمت طبیعت نیز صدق می‌نماید؛ همانگونه که برای واژه معروف چنان فراگیری قائل است که عمران و آبادانی زمین و حفظ و توسعه طبیعت، از موارد مصادیق آن به شمار می‌آید. بدیهی است امت و جامعه اسلامی که قرآن مهمترین مشخصه آنرا امر به معروف و نهی از منکر دانسته است، «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ...» (آل عمران، ۱۱۰) با نهاده‌سازی فرهنگ امر به حفظ طبیعت و نهی از تخریب آن، پرچم‌دار نهضت حفظ طبیعت و توسعه آن در سطح جهان خواهد بود و کارگزاران حکومت اسلامی نیز از اقتدار خویش در جهت توسعه معروف (حفظ طبیعت) و مقابله با منکر (تخریب آن) بهره خواهد جست. «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱).

قرآن، طبیعت و حقوق آن از منظر دو تفسیر فقهی تبعیه و سستی

۶. مالکیت^{۱۴}

مالکیت حقیقی همه موجودات آفرینش از جمله انسان و طبیعت از آن خداوند متعال است «وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران، ۱۸۹) و همه چیز و همه کس در قبضه قدرت او می‌باشد (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ۳۰۸: ۴). «...»

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ» (بقره، ۱۱۶) مالکیت حقیقی خداوند قابل واگذاری به انسان نیست، «... وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ...» (اسراء، ۱۱۱) لذا انسان نمی‌تواند نسبت به پدیده‌های طبیعی احساس مالکیتی حقیقی نماید و هرگونه تصرف از جمله تصرف زیانبار را در آن داشته باشد. آنچه که در اختیار انسان با مالکیت اعتباری قرار گرفته است در حقیقت امانت الهی است و انسان امانتدار، مملوک خداوند است. «ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ...» (حدید، ۷) خداوند پس از آنکه انسان را بر جمیع مخلوقات خود برتری داد و کرامت بخشید او را خلیفه خود در زمین قرار داد و به همین اعتبار او را نسبت به تصرف کردن در اشیاء و موجودات مخلوق خود مأذون ساخت. لذا انسان به عنوان مالک غیرحقیقی مأذون، در حدود اذن خالق در محدوده احکام و مقررات وضع شده از ناحیه او حق تصرف دارد. بنابراین نمی‌تواند تصرف ناروا در مخلوقات خداوند داشته باشد. تصرف ناروا همچون آلوده ساختن طبیعت، ظلم است.

انسان برای برقراری ارتباط با خود، دیگران و دیگر موجودات و اشیاء باید مملوکیت خود و دیگر موجودات عالم را، نسبت به خدای سبحان در نظر داشته باشد و برای تحصیل اذن مالک مطلق عالم هستی، تلاش کند. اخذ اذن پروردگار، در گرو تبعیت از اوامر و نواهی اوست که توسط انبیا و رسولان الهی در قالب «دین» ارائه و تبیین شده است؛ (جوادی آملی، بی‌تا، ۱۷۲) لذا تصرف در طبیعت در چارچوب آموزه‌های اخلاقی و حقوقی دین مشروع و جایز می‌باشد. تصرفات زیانباری که به آفریدگان و نظام آفرینش آنها آسیب می‌رساند ظلم و در نتیجه حرام است و مرتکب آن مستوجب عقاب الهی است، زیرا خداوند ظلم نسبت به هیچ موجودی را بر نمی‌تابد. «...وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۱۰۸)

۷. نعمت^{۱۵}

طبیعت و آنچه در آن است از مصادیق نعمت‌های الهی برای بشر است، «وَمَا يَكُم مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ» (نحل، ۵۳). نعمت یعنی سلامتی جسم و فراوانی روزی و فرزند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۱۴) خداوند نعمت را در اختیار انسان قرار داده تا شکرگزار باشد؛ یعنی از آن به نحو مطلوب استفاده نماید و در صورت استفاده بهینه از نعمت‌های الهی، زیادت نعمت به شکل تداوم آن نعمت یا اختصاص نعمت دیگر به عنوان پاداش عملکرد صحیح در بهره‌وری از نعمت، عاید وی می‌گردد. «... لَّيْنٌ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم، ۷) ولی اگر با بهره‌برداری خود، طبیعت را آلوده و تخریب نماید، نسبت به نعمت بزرگ طبیعت کفر ورزیده و مستحق عقاب دنیوی، محرومیت از این نعمت و موهبت الهی می‌شود. «... وَ لَّيْنٌ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷) کفران نعمت به معنی مبارزه با حق خداوند و نادیده گرفتن نعمت‌های اوست (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰، ص ۳۴۳ : ۹). محرومیت از نعمت‌های الهی در حقیقت ناشی از ویژگی‌های درونی مانند حرص و طمع‌ورزی و نادیده گرفتن سنت‌ها و پیمان‌های الهی است «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَهُ أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (انفال، ۵۳) و در اثر تغییر نعمت‌ها عذاب بر آنها لازم می‌شود (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۸، ص ۹). لذا بحران طبیعت ریشه در انسان‌ها یعنی بحران اخلاقی و درونی آنها و عملکرد نامشروع آنها نسبت به طبیعت و دیگر نعمت‌های الهی دارد «فَكَفَرْتَ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل، ۱۱۲) و کفر نعمت فتنه و از بین رفتن نعمت را به دنبال خواهد داشت (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۴). در مقابل رعایت حدود و سنت‌های الهی و پایبندی به اصول زیست محیطی و زیست انسانی بر پایه آموزه‌های آسمانی موجب شکوفایی و طراوت طبیعت و امکان بهره‌مندی حداکثری از طبیعت می‌شود؛ همانگونه که

در قرآن کریم آمده است: پایداری در مسیر مستقیم سبب بهره‌مندی از آب فراوان می‌شود. «وَالَّذِينَ اسْتَفْقُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶) کنایه از اینکه به آنها در دنیا گشایش می‌دهد و روزی آنها را زیاد می‌گرداند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۹، ص ۱۷) ایمان و عمل به دستورات الهی موجب برخورداری از نعمت‌های آسمانی و زمینی می‌شود. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاتِ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده، ۶۶).

از این آیات شریفه چنین استنباط می‌شود که بین مناسبات انسانی و طبیعت رابطه و نسبت مستقیمی برقرار است. به عبارت دیگر مناسبات ناپسند انسان‌ها موجب ظهور فساد در بر و بحر می‌شود «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱) و مناسبات اخلاقی انسان‌ها موجب گشایش درهای برکات آسمان‌ها و زمین به روی آنان می‌گردد، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶) از آسمان باران می‌بارد و در زمین گیاهان می‌روید (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ۲۵۳: ۷). راوندی در ذیل آیه «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» (طه، ۸۱) می‌نویسد: تعدی نکردن به این معنی است که از نعمت‌های خداوند به وجهی استفاده کنید که خداوند حرام نکرده باشد و اگر طبق دستور خداوند استفاده نکنید و بر وجهی که خداوند حرام می‌داند استفاده کنید، غضب خداوند را در پی خواهید داشت (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲ ص ۲۳). این توصیف از تجاوز انسان به منابع نعمت‌های طبیعی و استفاده نادرست از استعداد تسخیر طبیعت و نادیده گرفتن سنت‌های الهی در تسخیر طبیعت حکایت دارد.

لذا آموزه‌هایی که مشتمل بر رعایت اصول اخلاقی در مناسبات انسانی است نتایج ارزشمندی برای شکوفایی و توسعه طبیعت به همراه خواهد داشت. علاوه بر

آن در متون دینی برای توسعه بخشیدن عناصر طبیعت، ثواب و پاداش مقرر شده است. چنانکه از پیامبر اکرم (ص) نقل است که فرمود: «من سقی طلحه أو سدره فکأنما سقی مؤمناً من ظلماً» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹، ص ۲۱۲). یعنی آبیاری درخت مانند سیراب کردن مؤمن تشنه، دارای ثواب و پاداش است و ثواب درختکاری، جاری ساختن نهر، کندن چاه برای عمران آبادانی در کنار تعلیم دانش، ساختن مسجد و توریث قرآن و به جای گذاشتن فرزندی که برای انسان، بعد از مرگش، استغفار کند، بعد از موت به انسان بازگشت می‌نماید (نهج الفصاحه، ۴۹۷: ۱). همچنین توسعه فضای سبز، صدقه جاریه برای غارس درخت به شمار آمده است (نهج الفصاحه، ۵۶۳: ۲). در برخی روایات زندگی بدون هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل‌خیز و قابل کشت و زرع، زندگی ناگوار به شمار آمده است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۳۴). در بعضی روایات آمده است: «اگر قیامت برپا شود و در دست فردی نهالی باشد باید آنرا بکارد» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۴۶۰) و ده‌ها گزاره ایجابی دیگر که بر ضرورت حفظ طبیعت و توسعه آن دلالت دارد. علاوه بر گزاره‌های اثباتی، گزاره‌های سلبی نیز در متون روایی مشاهده می‌شود که از آنها ممنوعیت تعدی و تجاوز به طبیعت استظهار می‌شود؛ چنانکه از رسول اکرم (ص) نقل است که فرمودند: «درختان را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب می‌فرستد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۹، ص ۳۹).

از مجموع گزاره‌های سلبی و ایجابی حداقل بایدها و نبایدهای ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استحباب و کراهت استظهار می‌شود. قرآن کریم در برخی از آموزه‌های خود باید و نباید را در کنار هم مطرح نموده، به بهره‌مندی از محصول طبیعت امر فرموده، از عدم تعادل در مصرف آن نهی کرده و اسراف را عامل از دست دادن محبت خداوند دانسته است. «وَكُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

المُسْرِفِينَ» (اعراف، ۳۱) قرطبی معتقد است «لَا تُسْرِفُوا» چیزی را که قبل از اسراف حرام نبوده است، حرام می‌کند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ۱۹۵: ۷) و مسرفان را از اهل آتش جهنم معرفی نموده است: «إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (مؤمن، ۴۳) با تأمل در این دسته از آیات می‌توان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروای از آن و وجوب حفظ طبیعت را به دست آورد.

از مفاهیمی چون خلقت، رحمت، آیه، خلافت، تسخیر، مالکیت و نعمت در قرآن کریم دریافتیم که طبیعت میراث خداوند متعال برای موجودات زنده و آدمیان است تا آدمی با رعایت سنت‌های الهی بر حفظ و توسعه آن همت گمارد و آن را از آلودگی‌ها و تخریب مصون نماید. از این رو انسان در برابر خداوند، موجودات و بلکه تمامی آفرینش مسئول است.

د. ضمانت اجرایی نسبت به تعدی به طبیعت^{۱۶}

قرآن کریم از تعادل طبیعت با کلمه موزون یاد می‌نماید و می‌فرماید: «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های استوار برنهادیم و از هر چیز متناسب و موزون رویاندیم». «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُنٍ» (حجر، ۱۹) خداوند به انسانها اجازه داده است تا به صورت حلال از آنچه خداوند در اختیارشان قرار داده بهره‌مند گردند. بنابراین کسی حق ندارد خارج از دستورات الهی از مقدرات پروردگار استفاده کند و هرگونه تصرف در طبیعت باید با رعایت احکام الهی و حلال و حرام خداوند باشد (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۱).

بدیهی است هرگونه تصرف در طبیعت که تناسب و توازن عناصر و موجودات طبیعت را برهم زند، فساد در ارض است. قرآن کریم تخریب طبیعت را فساد در زمین می‌داند و می‌فرماید: «و در زمین از پس اصلاح آن، فساد نکنید» «... وَ

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف، ۸۵) رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است و بدیهی است نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است. «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.» (رعد، ۲۵).

قرآن کریم تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی را اعتداء دانسته و می‌فرماید: «ضایع مکنید منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چرا که متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود» (مائده، ۸۶) همین تجاوز از حد، مجازات متجاوز را موجب خواهد شد (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۶۳).

برخی از محققان از این آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن، بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط با محاط را بر هم زند از شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۷۹) قرآن کریم ضمن شناسایی حق بهره‌مندی از ارزاق نهفته در زمین از سرکشی در بهره‌وری از آن نهی نموده است (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۳) «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوِيَ» (طه، ۸۱) قرطبی از این آیه نتیجه گرفته است که بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند به علت وفور نعمت و عافیت نباید باعث عصیان از دستورات الهی گردد. زیرا عصیان یعنی استفاده‌ای که از حد مجاز بگذرد و به حدی برسد که شرعاً مجاز نباشد (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۱، ص ۲۳۰) با امعان نظر در نهی از طغیان در بهره‌وری از رزق الهی می‌توان ممنوعیت و حرمت تخریب محیط زیست و از بین بردن زمینه استفاده دیگران را استظهار نمود. بدیهی است کسی که با طغیان خود رزق الهی برای بشر را تخریب نماید، مشمول غضب

خداوند می‌گردد و غضب خداوند موجب سقوط او خواهد شد.

از لسان قرآن کریم در برخورد با متجاوزان به منابع رزق درمی‌یابیم که تجاوز به حریم طبیعت و منابع زیستی آن گناه و جرمی است که خشم و غضب خداوند و سقوط انسان را به همراه دارد. لذا می‌توان مجازات متناسب با آن را با استناد قواعد حقوقی کیفری اسلامی شناسایی و مقرر نمود. برخی از نویسندگان در این زمینه نوشته‌اند: «آیات قرآن کریم و اخبار وارده از معصومین علیهم السلام، آشکارا اهمیت طبیعت و لزوم حمایت از آن و ضرورت پاسخ دادن همه جانبه کیفری و غیر آن را بیان کرده است (قاسمی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۳۳). بنابراین تخریب محیط زیست، افساد در زمین و ظلم به نوع بشر و موجودات زنده است و از مصادیق برجسته ظلم، اثم و جرم می‌باشد. آلوده‌سازی آب، خاک و هوا که موجب زیان رسیدن به انسان‌ها و موجودات دیگر می‌شود را باید ظلم و حرام به شمار آورد و مجازات متناسب و روش‌های جبران خسارت را با روش اجتهادی از ادله و منابع فقه، استخراج و ارائه نمود.

برخی از محققان نوشته‌اند: «قوانین الهی شریعت» وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم طبیعی و طبیعت به صراحت معین کرده است. انسان به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای آنان را برآورده سازد، بلکه باید از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید (نجفی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، صص ۶۶-۶۹). او نه تنها موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند بلکه باید درخت بکارد، حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید، از آنان حمایت کند و آشیانه آنان را از تباهی و آلودگی حفظ نماید (محقق داماد، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۸۲). خداوند متعال در قرآن کریم به موجودات گوناگون طبیعت سوگند یاد نموده است: «وَالَّتَيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ»، «وَالْفَجْرِ»، «وَالنَّجْمِ»، «وَالطُّورِ»، «وَالضُّحَى».

«والذاریات»، «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا...». این سوگندها بر جایگاه مهم عناصر طبیعت در نزد خداوند حکایت دارد و این که باید در حفظ این عناصر کوشید. همچنین نام‌گذاری سوره‌های قرآن به نام یکی از عناصر طبیعت مانند بقره، رعد، نحل، نور، نمل، عنکبوت، دخان، نجم، جن، فجر، شمس، حدید، لیل، ضحی، قمر، تین، علق، ناس، فلق و بروج بر اهمیت آن عناصر، در فرهنگ قرآنی و ضرورت انس با آنها دلالت دارد.

چگونه می‌توان عناصر یاد شده را نادیده گرفت و به تخریب و آسیب آفریده‌هایی مبادرت ورزید که در نزد خالق و جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تنها غفلت از ذات باری تعالی است که موجب تجاوز و تعدی به این عناصر و به هم زدن مناسبات متعادل طبیعت می‌گردد. انسانی که به آموزه‌هایی همچون «منشأ آفرینش موجود زنده، آب است»، «... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء، ۳۰) ایمان دارد، رویش هر گیاه را به وسیله آب از ناحیه خداوند متعال می‌داند «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ...» (انعام، ۶۶) و آن را میراث مشترک انسان‌ها تلقی می‌کند و خلقت آن را مانند پدیده‌های طبیعی دیگر به اندازه معین می‌داند، «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر، ۴۹) و رویش گیاهان در زمین را موزون به شمار می‌آورد «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ» (حجر، ۱۹) و به خود اجازه نمی‌دهد که با آلوده‌سازی عناصر طبیعت تعادل طبیعت را بر هم زند. باور عمیق به موهبت الهی بودن آب، خاک و هوا، مؤمن را به گرامی داشتن و حرمت نهادن این میراث مشترک انسان‌ها و موجودات دیگر رهنمون می‌نماید.

نتیجه گیری

- ۱- قرآن کریم مشتمل بر گزاره‌های توصیفی در زمینه طبیعت است و سوگند به عناصر طبیعت و نام‌گذاری سوره‌های قرآن به نام بسیاری از آنها از جایگاه مهم آنها در نزد خداوند و فرهنگ قرآنی حکایت می‌نماید.
- ۲- واژه‌های خلقت، رحمت، آیه، خلافت، تسخیر، مالکیت و نعمت از مفاهیم کلیدی کشف موضع قرآن کریم در زمینه طبیعت و حقوق آن به شمار می‌آید.
- ۳- قرآن کریم مشتمل بر آموزه‌هایی است که از الگوی تعامل اخلاقی انسان با طبیعت حکایت دارد.
- ۵- قرآن کریم تجاوز به طبیعت را اعتداء و افساد در زمین می‌داند و متجاوز را محروم از رحمت الهی و مستحق غضب و عذاب معرفی می‌کند.
- ۶- علاوه بر مسئولیت اخروی و محرومیت وضعی ناشی از تجاوز به طبیعت، مسئولیت کیفری و مدنی متجاوز در حقوق اسلام نیز قابل شناسایی و تأکید است.
- ۷- قطب‌الدین راوندی و محمد قرطبی در تفاسیر فقهی خود از حکم تحریم شرعی در مورد تجاوز از حدود و استفاده ناروا از نعمت‌های خداوند و طبیعت سخن گفته‌اند.

پی نوشت‌ها

- 1 . Biological
- 2 . Jurisprudence exegesis
- 3 . Theoretical Nature
- 4 . Natural objects and materials
- 5 . Quran & Nature
- 6 . Moral & Nature
- 7 . Nature's rights
- 8 . creation
- 9 . Ruth

۱۰. فراز ۲۰ دعای جوشن کبیر

- 11 . Verse
- 12 . Phalifate
- 13 . Capture
- 14 . Ownership
- 15 . Blessing
- 16 . Nature enforcement abuses

فهرست منابع

قرآن کریم

- نهج الفصاحه. (۱۳۵۴). (ترجمه پاینده، ابوالقاسم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۸). سید رضی (ترجمه انصاریان، حسین). تهران: پیام آزادی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵). *عوالی اللثالی*. جلد ۱ و ۴. قم: سیدالشهدا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). *اسلام و محیط زیست*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد ۱۸، ۱۹ و ۲۵. قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۶ ش). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. انتشارات مرتضوی.
- راوندی، قطب الدین. سعید بن عبدالله. (۱۴۰۵ ق). *فقه القرآن*. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - رحمه الله.
- رستمی، محمد حسن. (۱۳۸۰). *سیمای طبیعت در قرآن*. پایان نامه ارشد. دانشگاه قم. پایگاه اطلاع رسانی حوزه.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱ و ۱۶. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- علیزاده، میرزا. (۱۳۹۱). *جریان شناسی تفاسیر فقهی*. تاریخ. تطور و نمونه‌ها (فقه القرآن). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قرطبی، ابن رشد (۱۴۰۵ ق). *الجامع لاحکام القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴). *تفسیر القمی*. جلد ۱. قم: دارالکتاب الطباعه و النشر.
- الماسی، نجاد علی. (۱۳۷۷). *طبیعت اشیا و حقوق*. تهران: نشر دادگستر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. جلد ۲، ۹، ۷۵. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۱). *طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام*. شماره ۲ و ۳. مجله رهنمون.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۳). *عدل الهی*. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- _____، (۱۳۸۱). *مجموعه آثار*. جلد ۲. قم: صدرا.

- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۹ ق). *التمهید فی علوم القرآن*. مشهد: الجامعة الرضویة فی العلوم الاسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*. جلد ۱۷. چاپ ۲۱. دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی راد، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۱): *جریان شناسی تفاسیر فقهی*. تاریخ. تطور و نمونه ها (الجامع). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*. جلد ۲ و ۴۱. دارالکتب الاسلامیه.
- نصر، حسین. (۱۳۸۲). *نیاز به علم مقدس*. ترجمه حسن میاننداری. تهران: مؤسسه فرهنگی طه.
- _____. (۱۳۵۹). *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*. تهران: خوارزمی.
- نقیبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *محیط زیست و حقوق آن از منظر قرآن کریم*. سایت راسخون.
- نوری، حسین. (۱۴۰۷). *مستدرک الوسائل*. جلد ۱۳ و ۱۷. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

یادداشت شناسه مؤلفان

مصطفی رجبی باقرآباد: دانشجوی دکترای فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: m.rajabi1353@yahoo.com

Quran, Nature and its rights from the perspective of both Sunni and Shiite jurisprudence interpreting

M. Rajabi Bagherabad

Abstract

Nature is organized of Elements of Nature, Creatures - Plants and Animals- and balancing biological relationships. God has granted this rich investor to human in order to all people and creatures exploit from it and try to constructing and developing the Earth and it stays as a reasonable habitat for all creatures. So right to using Nature is an important example of human rights. Descriptive and normative teachings of Quran emphasis on the protection of nature and natural resources and ecological balance of any aggression, violence and corruption. Accordingly any abuses and corruption to nature is called sin and will lead to punishment in Hereafter and responsibility in the world. In this article, the important elements are introduced as the Quran comments with Jurisprudential interpretations interpretive method in Shias and Sunnis, emphasis on Ravandi & Qortabi exegesis. In this interpretation, also emphasis on Human & Nature's relations, according to Islamic laws, Ethical & Civil liability and Criminal responsibility will be proved.

Keywords: Jurisprudential exegesis, Jurisprudence verses, Quran & Nature, Moral & Nature Nature's rights.